



سببنا در شمس همیشه

مهندس حبیب الله پور عبدالله



www.ketab.ir

سرشناسه: پورعبدالله، حبیب‌الله
عنوان و نام پدیدآور: ساسانیان در شاهنامه
مؤلف حبیب‌الله پورعبدالله
مشخصات نشر: تهران: کلهر، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۳۵۰ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۷۳-۴۰-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیبای مختصر
کتابشناسی ملی: ۳۷۶۱۳۲۱

ساسانیان در شاهنامه

مؤلف: حبیب‌الله پورعبدالله
ویراستار: منصور احمدی

حروفچینی و صفحه‌بندی: مریم مرادیان
طراحی جلد و صفحات اول: آتلیه گرافیک کلهر (آزاده یافتیان)

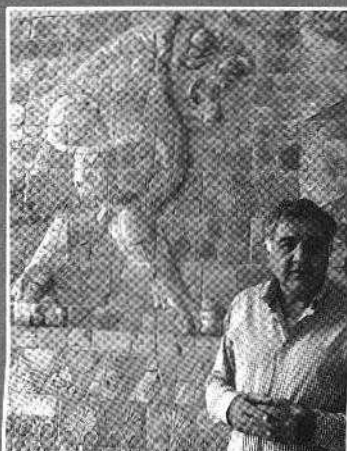
لیتوگرافی: نقش آفرین
صحافی: سیمرغ

ناظر فنی و هنری: محمد سمیعی فرد

چاپ اول: ۱۳۹۴
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۷۳-۴۰-۴
قیمت: ۲۵۰,۰۰۰ ریال



دفتر مرکزی تهران
فروشگاه مشهد: ۲ و ۳۸۵۳۲۶۳ و ۳۸۵۹۴۳۴۴ فکس: ۰۵۱-۳۸۵۹۷۷۰۴
تلفن و فکس: (۱۰ خط) ۰۲۱-۶۶۹۷۳۰۳۳ و ۵
www.kalhorbook.com
www.kalhorshop.com



حبیب‌الله پور عبدالله

فارغ تحصیل رشته معماری از دانشگاه
تگزاس جنوبی

مسئولیت‌ها:

- سرپرست دفتر فنی استانداری کهکیلویه و بویراحمد
- دبیر بازسازی مناطق زلزله‌زده جنوب خراسان
- دبیر بازسازی مناطق جنگی از وزارت مسکن و شهرسازی
- عضو هیات مدیره شهر جدید صدا
- عضو هیات مدیره سازمان نظام مهندسی استان فارس
- مدیر عامل مهندسین مشاور ورجاوند

آثار مکتوب:

- تخت جمشید از نگاهی دیگر / چاپ هشتم
- حکمت‌های پنهان در معماری ایران / چاپ سوم
- ساسانیان در شاهنامه / کتاب حاضر
- تخت جمشید نخستین سازمان ملل / در دست چاپ

مقالات:

- مدارس آینده را چگونه طراحی کنیم
- آینه در عرفان و معماری ایران
- جامعه مدنی و شهرسازی
- تاج محل هدیه معماران ایران به کشور هندوستان
- شیراز دارلعلم دیروز، فردائی چگونه دارد؟

فهرست

۹	پیشگفتار.....
۹	سرزمین کهن با فرهنگی درخشان.....
۱۵	مهر، نماد آشتی بزرگ و یگانگی همه جهان.....
۲۴	تأثیر آیین مهر در اروپا.....
۲۶	نفوذ کیش مهر در مسیحیت.....
۲۹	زرتشت، پیام‌آور بزرگ صلح و آشتی جهان.....
۳۵	اوستا در چین.....
۳۶	امشاسپندان یاران اهورامزدا.....
۳۹	سپنتا آرمیتی نگهبان زمین.....
۴۱	ایزدبانو "آناهیتا".....
۴۳	آناهیتا در باورهای ساسانیان.....
۴۷	بانو.....
۴۷	نقش زنان ساسانی بر روی پارچه، سنگ، سکه و... ..
۵۱	اهمیت و تقدس آب.....
۵۳	اوستا.....
۵۷	خورشید.....
۵۹	ماه پیام‌آور باران.....

- ۶۲ شب یلدا، خلقت مجدد جهان
- ۶۳ نوروز، رستاخیز جهان
- ۶۶ موبدان موبد
- ۶۹ ترجمه کتیبه کرتیر موبد موبدان
- ۶۹ در نقش رستم فارس
- ۷۳ آتشکده
- ۸۰ آتشکده سیستان
- ۸۲ آتشکده کاریان
- ۸۵ آتشکده آذر گشسپ
- ۸۷ آتشکده بهرام
- ۸۹ گیاهان، هدیه اهورامزدا
- ۹۱ پرندگان، پیک باران و پاسداران درخت زندگی
- ۹۵ حیوانات
- ۹۹ مانی، پیام آور صلح جهانی
- ۱۰۴ جهانبینی مانی
- ۱۰۸ شکست مانویان در ایران
- ۱۱۷ پیام صلح مانی در مرز فکری بودا در خاور ایران
- ۱۱۹ مانی در چین
- ۱۲۲ مانویان در اروپا
- ۱۲۵ مزدک به دنبال برادری و برابری
- ۱۳۲ زروان، زمان نامتناهی
- ۱۳۵ اخترشناسی در دوران ساسانیان
- ۱۳۶ ایرانیان دوره ساسانی به کروی بودن زمین آگاه بودند
- ۱۴۰ خط پهلوی در برج لاجیم
- ۱۴۱ خط پایه فرهنگ و مدنیت

۱۴۶	ادارات ساسانیان
۱۴۹	کتیبه‌های ساسانی
۱۵۱	موسیقی در دوران ساسانیان
۱۵۸	پارچه‌های ساسانی نشان از روزگار بهی ایران
۱۶۴	صنایع فلزی در دوره ساسانیان
۱۶۵	سکه دوره ساسانیان
۱۶۹	درفش کاویان
۱۷۱	اورنگ شاهی یا دیهیم
۱۷۵	اسپهبدان
۱۷۸	واسپوران
۱۸۱	شهریاران
۱۹۱	دوران حکومت ساسانیان از نگاه فردوسی توسی
۱۹۲	اردشیر
۲۰۲	ایران را شکوه افزا باد
۲۰۸	شاپور
۲۱۴	سه پیروزی جنگی در یک نقش برجسته در بیشاپور
۲۱۶	صلح بنیادی با پارس
۲۲۵	هرمز
۲۲۸	بهرام
۲۳۳	بهرام دوم
۲۳۹	نرسی
۲۴۰	هرمز دوم
۲۴۳	شاپور دوم
۲۴۷	اردشیر دوم
۲۵۱	شاپور سوم

۲۵۳	بهرام
۲۵۵	یزدگرد
۲۵۹	بهرام گور
۲۶۳	اندرزنامه بهرام به کارداران خود
۲۶۶	یزدگرد دوم
۲۶۹	پیروز
۲۷۲	بالاش
۲۷۵	قباد
۲۸۱	خسرو انوشیروان
۲۹۱	پند انوشیروان به هرمز
۲۹۳	هرمز
۳۰۴	خسرو پرویز
۳۱۵	شیرویه
۳۱۸	اردشیر
۳۲۰	فرآیین گراز
۳۲۱	شهروراز
۳۲۴	پوران دخت
۳۲۶	فرخ زاد
۳۲۸	آذر دخت
۳۳۰	یزدگرد
۳۴۶	کاخ کسری، نماد صلح جهانی
۳۵۲	کتابنامه

پیشگفتار

زمین گر گشاده کند راز خویش نماید سرانجام و آغاز خویش
کنارش پُر از تاجداران بُود برش پُر ز خون سواران بود
پُر از مرد دانا بُود دامنش پُر از خوبرخ چاک پیراهنش
فردوسی

سرزمین کهن با فرهنگی درخشان

ایران در نقطه خاصی از پهنه گیتی و در همسایگی سه تمدن کهن بابل، هند و مصر، و بر سر راه جهان شرق و غرب واقع شده است تا جایی که می توان گفت یگانه عامل، نگهبان و گسترش دهنده دانش ها و فرهنگ های اقوام باستان مجاور و نیز فراتر از مرزهای خویش بوده است. مردم ایران نخستین و یگانه ملت یکتاپرست جهان بوده اند مثلاً زمانی که در آن روزگار مصریان، بابلیان، آشوریان، یونانیان، هندیان، اعراب و... از خدایانشان بت می ساختند، ایرانیان هرگز به بت پرستی روی نیاوردند بلکه باور داشتند که "اهورامزدا" - آفریننده روشنایی ها - دارای جوهری از روشنی است و بخشی از وجود خویش را در آفرینش جهان به ودیعه نهاده است.

۱. نک: ادبیات ایران؛

مکان کز بهر حق جویی چه جابلقا چه جابلِسا
یعنی همه جا غیر خدا هیچ ندیدند
که میان حرم و دیرمغان این همه نیست
عالم همه آیات خدا هست و خدا نیست
یعنی که تو را می طلبم خانه به خانه
شیخ بهایی

سخن کز بهر دین گویی چه عبرانی چه سُربانی
مردان خدا پرده پندار دریدند
از دویینی بگذر تا به حقیقت برسی
چون نور که از مهر جدا هست و جدا نیست
که معتکف دیرم و گه ساکن مسجد

با اینکه ایرانیان به پروردگاری ناپیدا ایمان داشتند، با وجود این به خدایان سرزمین‌های دیگر نیز احترام می‌گذاشتند و مردمانشان را با خود یگانه می‌دانستند و با اینکه نزدیک به هزار سال، قدرت برتر دنیای متمدن آن روزگار بوده‌اند، اما هیچ ملتی را با عناوین تحقیرآمیز نخواندند و به هیچ‌یک از ادیان بی‌احترامی نکردند.

ایرانیان نزدیک به دو سده بر مصر حکومت کردند، اما هرگز برای دستیابی به گنج‌های درون اهرام نکوشیدند به آن دستبرد نزدند زیرا این کار را دون شأن خود و خلاف احترام به اعتقادات دیگران می‌دانستند و این در حالی است که اروپاییان و اعراب در مصر به‌عکس این کار کردند.^۱ تاریخ فرهنگ پرمعنای ایران، کوششی بوده از الفت‌جویی، دیگرپذیری، و همواره خواهان خواهندگی صلحی پایدار در بین ملل بوده تا جایی که این نقش را در طی تاریخ و فرهنگ مستمرش به دفعات نشان داده است، سرگذشتی چنین پُر ارج، بیانگر نوآوری و چاره‌جویی خردگرانه است که به ایران تقدس داده است.

درباره اهمیت توجه به اصول اخلاقی در ایران، همین‌قدر کافی است اشاره شود که ایرانیان از آغاز تمدن درخشان خویش، به یک فلسفه اخلاقی که پایه‌هایش بر نیکی و راستی استوار بود، دلپستگی داشتند.

در اشعار گویندگان متقدم مانند "بوشکور بلخی"، "دقیقی توسی"، "کسایی مروزی"، "رودکی سمرقندی" و "فردوسی"، به نمونه‌هایی از بندگویی برمی‌خوریم. "توسی" نمایانگر باورهای شخصی این بزرگان نبوده، بلکه ترجمان سنت، ادب اجتماعی و اخلاق ایرانیان بوده است. آقای دکتر "اسلامی ندوشن" می‌فرمایند: در زبان فارسی چند کتاب وجود دارد که طی سده‌ها توان روان قوم ایرانی بوده است؛ یکی از آنها و شاید برتر از همه شاهنامه فردوسی است.

یکی از ویژگی‌های مهم شاهنامه آن است که این کتاب سند قومیت و نسب‌نامه ایرانیان است و ریشه‌های آنان را تا گذشته‌های اسطوره‌ای و افق پهناور زمان‌های باستان پی می‌گیرد.

ممکن است پرسیده شود به چه درد می‌خورد این گذشته دور؟! پاسخ این است که طبیعت بشر اقتضا می‌کند که می‌خواهد احساس شخصیت و اصالت خویش را واکاوی کند و وجود و جایگاهش را در این جهان توجیه نماید، نیز تکیه‌گاهی تاریخی برای خود بیابد، در نتیجه در راستای نیازمندی شخص به غرور و شخصیت، ملت هم نیازمند غرور و شخصیت ملی است. دیگر آنکه شاهنامه عصاره و چکیده تمدن و فرهنگ قوم ایرانی است و ما هیچ کتاب دیگری نداریم که طپش قلب ایران قدیم را به این روشنی و دقت در خود ثبت کرده باشد.

۱. نک: منشور کورش؛ نقش ملل در تخت‌جمشید؛ کاخ کسری و...

هدف فردوسی از یادآوری تاریخ گذشته، انتقال برتری و بزرگی ایرانی به نسل‌هایی بوده که هویت خود را به درستی دریافته‌اند و از این رو، از برتری‌شان در دنیای گذشته بیگانه و دور افتاده‌اند. فردوسی ایرانیان را به یاد مفاخر گذشته می‌اندازد و آنان را به این نکته توجه می‌دهد که نباید گذشته پرافتخار خویش را فراموش کنند، بلکه باید برای سرافرازی در هر دوره‌ای کردار و رفتار نیاکان خود را الگو قرار داده، در زندگی مادی و معنوی شیوه آنان را پیش گیرند و همچنین از رفتارهای ناپسند همچون دروغ‌گویی^۱، فرومایگی، ترس و... که موجب تباهی انسان‌هاست، بپرهیزند.

فردوسی در شاهنامه بارها بر نیکی و نیکوکاری تأکید می‌کند. به عبارت دیگر او به اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک توجه بسیار می‌دهد و می‌کوشد شعار ایرانیان باستان را فریاد آورد:

کسی کو بود پاک و یزدان‌پرست	نیازد به کردار بد هیچ دست
چو گفتار و کردار نیکو کنی	به گیتی روان را بی‌آهو کنی
جوانمردی و راستی پیشه کن	همه نیکویی اندر اندیشه کن

شاهنامه پر از شرح خصایل نیکوی بزرگان ایران، تعریف سجایای فردی، ایده‌های اخلاقی و سیاسی، نظریات بشردوستی آنهاست و این همه با تحلیل‌ات زیبا و حساس روح سرشته شده است. یادآوری نام بزرگان و سرافرازی ایران پیش از اسلام به منظور برانگیختن روح پهلوانی برای پاس میهن و رَوبارویی با بیدادگران و ستایش و دفاع از دادگری و دادگران برای عبرت ایرانیان است. می‌شود گفت اگر فردوسی نبود، امروز کمتر کسی از این رادان، پاکان و راستان یاد می‌کرد و از کارنامه ایشان آگاهی می‌یافت. شاهنامه توانست بین اقوام غیرمسلمان پیش از اسلام و اقوامی که زبان و تمدن و مذهب دیگری غیر از قهرمان‌های کتاب داشته‌اند، پیوند بسیار دوستانه و غرورآمیز برقرار کند و این به ارزش بسیار استثنائی کار فردوسی برمی‌گردد.

در مورد ساسانیان که دو سوم شاهنامه را به خود اختصاص داده است، آیین‌ها، شادی‌ها، غم‌ها، مقدسات ملی و هر آنچه موجب همبستگی و ادامه حیات ملت ایران بر پایه دوستی و گرایش بزرگان به راستی و درستی و نکوهش ستیزه‌جویی و خشم و مبارزه با دروغ و بدی بیدادگری را به یاد می‌آورد.

۱. بعدها در عرفان ایرانی یکی از بالاترین گناه‌ها، ریاکاری شد؛ نک: داستان شیخ صنعان در منطق‌الطیر عطار.

فردوسی در شاهنامه از حکومت ساسانیان به نیکی یاد می‌کند و آنان را می‌ستاید؛ او از کتاب‌هایی که از دوره ساسانی به‌دستش رسیده و از دیدن و خواندن آنها شادان و پُر اندیشه شده چنین یادآوری می‌کند:

فسانه کهن بود و منشور بود تپاهی ز گفتار آن دور بود
نبردی به پیوند آن کس گمان پُر اندیشه گشت این دل شادمان

او در گردآوری و تنظیم تاریخ دوره ساسانی منابع زیادی در دسترس داشته تا جایی که درباره چند و چون این منابع بسیار بحث شده است. دکتر مهدی غروی می‌نویسد: ^۱ «... فردوسی به احتمال بسیار، کتاب مینوی خرد، خدا/ینامه، گاهتا، آیین‌نامه، زیج شهریار و کتاب‌هایی درباره حکمت و فلسفه ساسانیان در دست داشته و می‌خوانده است یا اینکه کسی او را کمک می‌کرده و یا برای او بازخوانی، تفسیر و تحلیل می‌کرده‌اند. اما فردوسی هر آنچه را که می‌خواند یا می‌شنیده را صلاح نمی‌دانست که معرفی کند.» ^۲

یکی‌نامه دیدم پُر از داستان سخن‌های آن بر مَشش راستان
گذشته بر آن سالیان دوهزار گر ایدون که برتر نیاید شمار
سخن هر چه گفتم همه گفته‌اند بر باغ دانش همه رفته‌اند

می‌توان گفت حکمت ساسانیان را فردوسی با زبان ملی جدید ایرانیان بازگو کرد تا مجدداً به حیات خود ادامه دهد. او در اشعار خود همیشه از حکمت ساسانیان به نیکی یاد می‌کند و آنان را می‌ستاید. دکتر احسان اشراقی در مقاله "شاهنامه از دیدگاه وحدت ملی" می‌نویسد: «در شاهنامه می‌بینیم که تفکرات ساسانیان نوعی حیات مجدد پیدا می‌کند و فردوسی با بیانی دلنشین آن را بازگو کرده است، اگر این تفکرات در شاهنامه به شعر درنیامده بود، نمی‌توانست تأثیری بدین وسعت در تفکر ایرانی از خود بجای گذارد زیرا زبان/اوستا، خدا/ینامه و... زبان مؤثری نبودند».

فردوسی می‌خواهد کردار و رفتار ساسانیان را برابر با اصول و قوانین عادلانه نشان دهد. او بزرگان ایران را هیچ‌وقت به بیداد و ستم وصف نمی‌کند، نیز اگر در شاهنامه، ایران و ایران‌دوستی

۱. "پژوهش در شاهنامه"، هنر و مردم، شماره ۱۲۷.

۲. استخری در سده چهارم هجری، "خط پهلوی" در کاخ اردشیر در فیروزآباد فارس را خواند، نیز در سده سوم هجری نوشته بر بدنه برج لاجیم "امامزاده عبدالله" مازندران به خط پهلوی بود؛ نیز تا سده‌ها مردمان فارس، مازندران، دیلمیان و... بر کیش کهن خود بودند، خواندن و نوشتن اوستا و دیگر متون کهن ایرانی برای موبدان و دانشمندان آن دوران آسان بود.

مورد لطف و توجه بسیار است، از این روست که ایران دوران ساسانی، کشور نیکوکاران و پُر از دادگری است و دستیازی آنها به جنگ کاری ناگزیر برای دفاع است. فردوسی ایران را سرزمین مقدس می‌داند که همه باید در حفظ و نگهداری آن بکوشند و به خاطرش فداکاری کنند.

ز دلها همه کینه بیرون کنید	به مهر اندرین کشور افسون کنید
چو نیکی کنی نیکی آید برت	بدی را بدی باشد اندر خورت
اگر کشور آباد داری به داد	بمائی تو آباد و ز داد شاد

و نیز:

چو ایران نباشد تن من مباد	بر این بوم و بر زنده یک تن مباد
دریغ است ایران که ویران شود	کنام پلنگان و شیران شود

امروز ما برای بازشناسی و بازآفرینی ذخایر معنوی و درک درست از گهرهای فکری خود ناگزیریم به شاهنامه مراجعه کنیم، چرا که فرهنگ جدید به تمدن فکر می‌کند و گفتمان تمدنی دارد و به انسان و فرهنگ او می‌اندیشد. برداشت آگاهانه و خردمندانه از گذشته و نیز آینده‌نگری، جریان پیوسته تکامل دوباره "رنسانسی" خواهد بود.

امروز ایران کهن در حال تغییر و سازندگی در همه رشته‌ها و نوسازی کشور به دست علاقه‌مندان است و تلاش دارد تا با آرامش بدون دخالت بیگانگان و فشارهای اقتصادی، سیاسی به اوج تمدن کهن خود برسد، اگر قرار باشد امروز در روند حرکت و مسائل جهانی حرفی برای گفتن داشته باشیم، ناگزیریم خود را با جهان امروز هماهنگ کنیم، ما نسلی پیونددهنده بین آنچه وجود دارد و آنچه خواهد آمد هستیم و با توجه به اینکه دنیای امروز در جست‌وجوی نظم تازه‌ای است، باید بدانیم که بوده‌ایم، که هستیم و کجا می‌رویم و در جامعه نو چه چیزهایی از گذشته گرفتنی و چه چیزهایی را رها کردنی است تا بتوانیم نسبت به تحولات جدید، متحول شویم. برای این منظور نیاز به خودشناسی و بازشناسی و بازآفرینی ذخایر معنوی خود داریم و این خودشناسی آگاهانه و خردمندانه، امروز برای ما ضروری است.

یادآوری می‌شود که برای شناخت حکومت ساسانیان بهتر است نخست از افکار و تفکرات آنها در مورد "کیش مهر"، "زرتشت"، "مانی"، "مزدک" و... تشکیلات اداری آنان بیشتر آشنا شد، چرا که کردار مردمان از اعتقادات آنان سرچشمه می‌گیرد.